

آیا

امام حسین (ع) خواب دید؟

بسیاری از مردم تصور میکنند که امام حسین (ع) در ایامی که برای بیعت کردن با یزید تحت فشار واقع شده بود سر قبر جدش پیغمبر خدا آنحضرت را در خواب دید که بوی فرمود: تودر آینده نزدیکی کشته میشوی و چاره‌ای بغیر از کشته شدن نیست و از اینرو امام از همان مدینه بقصد کشته شدن بیرون رفت.

ما اینجا در این جهت بحث نمیکنیم که آیا خواب حجت است و کسی که خواب ببیند میتواند طبق آن عمل کند یا نه و اگر خواب حجت نباشد آیا خواب امام باخواب دیگران فرق دارد یا نه. و در این جهت بحث نمیکنیم که اگر خواب امام باخواب دیگران فرق داشته باشد آیا خواب امام آنجا که مشتمل بر امری نباشد فقط تعبیر صحیحی دارد که در وقت خودش در خارج واقع میشود و دیگر تکلیفی برای امام نمیآورد یا اینکه تکلیف جدیدی برای امام میآورد.

بلکه در این جهت بحث میکنیم که آیا اساساً امام حسین (ع) سر قبر جدش رسول خدا (ص) خوابی دیده است یا نه و آیا مدرک تاریخی قابل اعتمادی که خواب امام را نقل کند وجود دارد یا نه.

برای کنجکاوی در این موضوع راهی بغیر از مراجعه به مدارک

تاریخی مختلف و مقایسه بین آنها وجود ندارد.

ما برای تحقیق درباره این مطلب به مدارك تاریخی که در دسترس است مراجعه کردیم و بعضی را با بعض دیگر تطبیق نمودیم و برای اینکه معلوم شود چه کتابی در کتابهای دیگر اثر گذاشته است بین مطالب کتابها مقایسه کردیم.

و نتیجه بررسی این شد که مدرک تاریخی معتبری وجود ندارد که خواب امام حسین (ع) را سر قبر جدش رسول خدا (ص) نقل کرده باشد و آنچه در این باره نقل شده است قابل اعتماد نیست.

اینک توضیح مطلب:

گفتار مؤرخان :

مؤرخان مینویسند: «حاکم مدینه به امر یزید بن معاویه امام حسین (ع) و عبدالله زبیر را سه روز به آخر ماه رجب مانده سال ۶۰ هجری برای بیعت احضار کرد. امام بحضور حاکم رفت و بوی پیشهاد بیعت شد فرمود: لا بد شما به بیعت مخفیانه اکتفاء نمیکنید و میخواهید که من در حضور مردم بیعت کنم حاکم گفت: آری، امام فرمود: پس امشب مهلت بدهید و تصمیم قطعی را بفردا صبح موکول کنید حاکم قبول کرد و آنحضرت بمنزل برگشت.

ولی عبدالله زبیر بحضور حاکم نرفت و از اینرو تحت فشار واقع شد و مهلت خواست که فردا صبح بحضور حاکم برود ولی همان شب بمکه رفت و امام حسین (ع) هم که دو باره برای احضارش مأمور فرستاده بودند شب بعد یعنی یک شب بعد از عبدالله زبیر دو روز به آخر ماه رجب

مانده با خانوادهاش مخفیانه بمکه رفت. (۱) تاریخ طبری جلد ۴ ص ۲۵۲
 ۱۲ الاخبار الطوال ص ۲۰۹ - ۳ ارشاد مفید ص ۱۸۰ ۴ اعلام الوری ص ۲۲۱
 ۵ روضة الواعظین ص ۱۷۱-۶ کامل ابن اثیر جلد ۴ ص ۱۶-۷ تذکره سبط
 ابن الجوزی ص ۲۳۶-۸ الفصول المهمه از ابن صباح ۹-۱۶۵ تاریخ ابن
 کثیر جلد ۸ ص ۱۴۷-۱۰ تاریخ ابن خلدون جلد ۳ ص ۴۴).

از همه این تواریخ استفاده میشود که امام حسین (ع) بعد از
 آنکه برای بیعت احضار شد یک شب بیشتر نتوانست در مدینه بماند و آن
 یک شب هم طبق نوشته علمای بزرگ شیعه (مثل شیخ مفید و امین الاسلام
 طبرسی و فتال نیشابوری) در منزل خود ماند و شب بعد مخفیانه بمکه
 رفت و طبق نوشته بعضی از مؤرخان همان شب اول که برای بیعت احضار
 شد بمکه رفت (۱)

گفتار ابن اعثم :

ولی ابن اعثم کوفی متوفای ۳۱۴ هجری (بنقل خوارزمی)
 مینویسد: «حاکم مدینه بفرمان یزید امام حسین (ع) را برای بیعت
 احضار کرد و در آن مجلس که مروان حکم نیز حاضر بود نتوانست
 موافقت وی را جلب کند و امام باخشم و خشونت از مجلس خارج شد و
 فردا در کوچه بامروان حکم برخورد و مذاکرات مفصل و تندی بین
 آندو درباره بیعت شد و مروان گفت ترا رها نمیکنم تا همینجا ذلیلانه
 برای یزید بیعت کنی و امام بمروان دشنام داد و بانگرانی از هم جدا

۱- تاریخ یعقوبی جلد ۲ ص ۲۲۹ و تاریخ ابن عساکر جلد ۴ ص ۳۲۸ و
 استیعاب جلد ۱ ص ۳۸۱ میگویند: امام حسین (ع) و عبدالله زبیر هر دو همان شبی
 که برای بیعت احضار شدند مخفیانه بمکه رفتند.

شدند و مروان نزد حاکم رفت و آنچه در کوچه واقع شده بود بوی گفت. و حاکم مدینه نامه‌ای به یزید نوشت که: عبدالله زبیر بمکه فرار کرده و حسین بن علی هم بیعت ترا نمی‌پذیرد یزید در جواب نوشت: عبدالله زبیر در هر حال تحت سلطه ما خواهد بود در اندیشه او نباش ولی سر حسین بن علی را با جواب این نامه برای من بفرست.

(بدیهی است مدتی بیش از ده روز وقت لازم است تا نامه حاکم مدینه بایک تیز رفتار دولتی بشام برود و جوابش بمدینه برگردد) نامه یزید که رسید حاکم مدینه ناراحت شد و گفت: اگر یزید همه دنیا را بمن بدهد حسین بن علی را نخواهم کشت. آنگاه حسین بن علی (ع) شبی به زیارت قبر جدش رسول خدا (ص) رفت و بعبادت و باز گو کردن درددل خویش پرداخت و صبح بمنزل برگشت و شب دوم باز به زیارت قبر پیغمبر (ص) رفت و پس از عبادت و راز و نیاز بخواب رفت و در خواب رسول خدا را دید در حالیکه فرشتگان او را از چهار طرف احاطه کرده بودند پیغمبر خدا (ص) امام حسین (ع) را در آغوش گرفت و بوی فرمود: تودر آینده نزدیکی کشته میشوی امام از جدش درخواست کرد که: مرا با خود بقبر ببر رسول خدا (ص) فرمود: چاره‌ای جز این نیست که به دنیا برگردی و شهید شوی امام حسین (ع) با ترس و وحشت از خواب بیدار شد و صبح بمنزل آمد و خواب خود را برای خانواده اش توضیح داد و مجلس گریه و ماتم پرغوغائی برپا شد که از شرق تا غرب عالم نظیر نداشت و شب سوم به زیارت قبر مادر و برادرش رفت و صبح بمنزل آمد و شب بعد با خانواده اش از مدینه بسوی مکه کوچ کرد (۱)

(۱) مقتل خوارزمی جلد ۱ ص ۱۸۰ بعد . عبارات ابن اعثم خیلی ←

آنچه ابن اعمش در این جادو باره خواب امام نوشته است بچند دلیل قابل قبول نیست :

۱- هیچک از مؤرخان معروف که قبل از او میزیسته اند- مثل مدائنی و یعقوبی و ابوحنیفه دینوری- یا معاصر او بوده اند- مثل طبری- این مطالب را ننوشته اند و چون ابن اعمش که مردی است از اهل سنت حتی نزد خود علمای سنت مورد اعتماد نیست (۱) نمیتوان مطلبی را که فقط او نوشته و دیگران ننوشته اند قبول کرد .

۲- عبارات ابن اعمش شبیه عبارات داستان نویسانی است که مطالب تاریخی را با مطالب خیالی بهم خلوط میکنند و با الفاظی موزون و منشیانه مینویسند که مورد توجه خوانندگان واقع شود با این تفاوت که ابن اعمش در پرداختن مطالب خیالی خوش سلیقه نبوده و رعایت مقتضای حال را نکرده و لوازم و ملزومات کلام را از نظر دور داشته است (۲)

۳- طبع قضیه ایجاب میکند که حکومت تحمیلی یزید قبل از انتشار خبر مرگ معاویه هر چه زودتر از امام بیعت بگیرد و این بقدر اورا مهلت ندهد که بعد از امتناع از بیعت مدتی در حدود پانزده روز بدون

→ مفصل است و قریب ۷ صفحه از مقتل خوارزمی را اشغال کرده و مافشرده آنرا نوشتیم . (۱) معجم الادباء جلد ۲ ص ۲۳۰

۲- به مقتل خوارزمی جلد ۱- ص ۱۸۰ بعد رجوع شود کسانیکه به ادبیت عرب تسلط دارند و از اسلوبهای مختلف نویسندگی آگاهند اگر یک دفعه عبارات ابن اعمش را در این مورد با دقت بخوانند مطمئن میشوند که قوه خیال ابن اعمش یا دیگران این عبارات را در مورد خواب دیدن امام و مطالب قبل و بعد آن اختراع کرده است .

مراحت در مدینه بماند، چنانکه نزدیک غروب همان روز اول دوباره برای احضار امام مأمور فرستادند و آنحضرت دوباره يك شب مهلت خواست (ارشاد مفید ص ۱۸۰) .

۴- از عقل و درایت امام خیلی دور است که بشدت عمل عمال حکومت یزیدی و نقشه‌های شیطانی آنان توجه نکند و با خیال راحت مدتی در مدینه بماند تا نامه حاکم مدینه بشام برود و جواب آن در باره کشتن امام از یزید برسد باز هم چند روز در مدینه بماند و دو شب سر قبر پیغمبر خدا (ص) و يك شب سر قبر مادر و برادرش برود تا دشمن همه راه‌ها را ببندد و امکان هر گونه جنبش اصلاحی از امام سلب گردد بلکه امام (ع) به شدت عمل عمال حکومت کاملاً توجه داشت و حتی در اولین ملاقات با حاکم يك عده افراد مسلح را همراه خود برد که او را از خطر- های احتمالی حفظ کنند (ارشاد ص ۱۷۹) بنابراین لازم بود فوراً از مدینه که منطقه خطر بود خارج شود .

۵- طبق نوشته مؤرخان معتبر کعبه نفر از آنان را نام بردیم امام حسین (ع) بعد از آنکه برای بیعت احضار شد و يك شب مهلت خواست چون از طرف حاکم تحت فشار واقع شد و دوباره برای احضارش مأمور فرستادند بیش از يك شب نتوانست در مدینه بماند و آن يك شب هم (بنقل ارشاد مفید ص ۱۸۰ و اعلام الوری ص ۲۲۱ و روضه الواعظین ص ۱۷۱) در منزل خود مانده و شب بعد هم بسوی مکه حرکت کرده و احتمالاً همان شب اول حرکت کرده است.

پس دیگر امام حسین (ع) کی آنقدر فرصت داشته است که نامه حاکم مدینه بشام برود و جوابش برگردد و بعداً هم چند روزی در مدینه

بماند و دوشب به زیارت قبر جدش و يك شب به زیارت قبر مادرو برادرش
برود ۱۹!

بنابر آنچه گفتیم خیلی آسان باید ساده و خوش باور باشد که
آنچه را ابن اعثم درباره رفتن امام حسین (ع) سر قبر پیغمبر خدا (ص)
و خواب دیدن وی نوشته است قبول کند.

اثر تاریخ ابن اعثم در کتابهای دیگر:

بعضی از کتابهایی که بعد از تاریخ ابن اعثم نوشته شده است مطالبی
را که ابن اعثم درباره خواب دیدن امام حسین (ع) نوشته است نقل
کرده اند بدون اینکه به نقاط ضعف آن توجه داشته باشند و بعضی از آن
کتابها از قبیل مناقب ابن شهر آشوب و قمقام و ناسخ التواریخ تاریخ
ابن اعثم را جزء مدارك خود ذکر کرده اند اینك به بعضی از آن کتابها
اشاره میکنیم :

۱- امالی صدوق (نقل ج ۱۰ ص ۱۷۰) قسمتی از مطالب
ابن اعثم را درباره خواب امام با کمی اختلاف از محمد بن عمر بغدادی
واو از راویان دیگری نقل کرده است (این محمد بن عمر بغدادی متهم
به شرابخواری و ترك نماز است) (۱) و اشکالاتی که به نقل ابن اعثم وارد
بود عیناً به نقل این شخص متهم وارد است. و ممکن است مأخذ این
شخص متهم یا راویان قبل از او با مأخذ ابن اعثم یکی باشد.

۲- و مناقب ابن شهر آشوب جزء ۴ ص ۸۸ بطور سر بسته خوابی را
که ابن اعثم نقل کرده است به امام حسین (ع) نسبت میدهد (تاریخ
ابن اعثم یکی از مدارك مناقب ابن شهر آشوب است).

۳- و روضة الصفا عين مطالب ابن اعثم را در باره خواب امام حسين (ع) نوشته است (روضه الصفا ضمن ذكر منابع تاريخى تاريخ ابن اعثم را نام برده است) .

۴- و كافى در روضة الشهداء (ص ۱۵۸ ببعده) مطالب ابن اعثم را در مورد خواب امام باضافاتى نوشته و آنچه را آنچه تر کرده است (تاريخ ابن اعثم از مدارك روضة الشهداء است) .

۵. و محمد بن ابيطالب حسینی (بنقل بحار ۱۰ ص ۱۷۲) در كتاب تسليمة المجالس عين عبارات ابن اعثم را در مورد خواب امام نقل کرده است (فقط لفظ (خلفاء راشدين) را ساقط کرده است) و چون عبارات او عين عبارات ابن اعثم است بدون تردید آن عبارات را بى واسطه يا با واسطه از ابن اعثم گرفته و يا مأخذ هر دو يکى بوده است و در هر حال همان اشکالات پنجگانه سابق به اين نقل هم وارد است .

و نفس المهموم ص ۳۷ و ناسخ التواريخ ص ۱۷۰ عين عبارات محمد ابن ابيطالب حسینی را که همان عبارات ابن اعثم است نقل کرده اند

۶- و مقام با اينکه در ص ۲۱۹ و ۲۲۰ همان مطلب ارشاد مفيد را

نوشته است که: امام حسين (ع) بعد از آنکه برای بيعت احضار شد شب اول در منزل خود ماند و شب بعد مخفيانه بمکه رفت با اين وصف در ص ۲۲۱ و ۲۲۲ مطالب ابن اعثم را که : (امام بعد از آنکه برای بيعت احضار شد و شب سرقبر پيغمبر خدا (ص) رفت و شب دوم خواب دید) نوشته است و اين مطلب را از نظر دور داشته است که ممکن نيست اين دو نقل هر دو صحيح باشد و ناچار بايد نوشته شيخ مفيد را بر نوشته ابن اعثم ترجيح داد .

بدینگونه می بینیم که تاریخ ابن اعثم چگونه در کتابهای بعدی اثر گذاشته و مطالبی که ابن اعثم در مورد خواب دیدن امام حسین (ع) نوشته است چطور بین نویسندگان و مردم شهرت پیدا کرده است. بدیهی است آنچه دیگران بی واسطه یا با واسطه در این مورد از ابن اعثم گرفته یا مأخذشان با ابن اعثم یکی بوده است نمی تواند بیش از نوشته های خود ابن اعثم ارزش و اعتبار داشته باشد.

بازهم خواب :

معلوم نیست ابن اعثم چرا اینقدر بخواب علاقه داشته است که میل دارد هر حادثه تاریخی را با نقل خوابی آرایش دهد مثلاً مینویسد :

۱- «وقتیکه بعد از مرگ معاویه مردم شام در قصر اختصاصی وی اجتماع کردند تا برای مرگ معاویه به یزید تسلیمت و برای خلافتش تبریک بگویند یزید ضمن سخنانش بمردم شام گفت : در آینده بین شما و مردم عراق جنگی پیش می آید زیرا من سه شب پیش در خواب دیدم که بین من و مردم عراق نهری از خون تازه بشدت جریان داشت و من خواستم از آن نهر عبور کنم نتوانستم تا اینکه عبیدالله زیاد آمد و در جلوم از آن نهر خون عبور کرده (مقتل خوارزمی جلد ۱ ص ۱۷۹).

ابن اعثم با نقل این خواب، یزید را بعنوان يك معبر با فراستی معرفی می کند که توانسته است با خواب الهامی ! تعبیر خواب صدرصد صحیح خود او ضاع آینده عراق و تسلط عبیدالله بن زیاد را بر کوفه پیشگوئی کند در حالیکه می دانیم که یزید برای عقیم کردن فعالیت های مسلم بن عقیل در کوفه متحیر بود که چه کسی را انتخاب کند تا اینکه با راهنمایی سرجون رومی عبیدالله زیاد را انتخاب کرد.

(ارشاد مفید ص ۱۸۵) .

۲- باز مینویسد : وقتیکه مأمور حاکم مدینه در مسجد سراغ امام حسین (ع) و عبدالله زبیر رفت و آن دو را بحضور حاکم طلبید عبدالله زبیر به امام حسین (ع) گفت : بنظر شما حاکم چرا ما را احضار کرده است؟ امام فرمود : گمان میکنم معاویه مرده است زیرا من دیشب در خواب دیدم مثل اینکه معاویه ارو نه شده و سرش بر زمین و پاهایش در هوا بود (۱) (کأن معاویه، نکوس) و دیدم خانه اش آتش گرفته بود و من این خواب را بمرك معاویه تعبیر کردم (مقتل خوارزمی جلد ۱ ص ۲۸۲) .

۳- و باز خواب دیگری را بطوری که شرحش گذشت از زبان امام حسین (ع) نقل میکند که سر قبر جدش پیغمبر خدا (ص) دیده است. بدین ترتیب ابن اعثم بقاصله چهار ورق سه خواب از امام حسین (ع) ویزید نقل کرده است .

آیا قوه خیال پر جولان ابن اعثم بوده است که تا این اندازه خلاقیت داشته و توانسته است در ضمن ۴ ورق ۳ خواب اختراع کند . یا اینکه دیگران قبل از ابن اعثم این خوابها را ساخته اند و ابن اعثم باز گو کرده است. یا اینکه اینها واقعیهای تاریخی بوده است که ابن اعثم و دیگران با کمال امانت نقل کرده اند؟! تشخیص این مطلب با صاحب نظران سخن سنجی است که آزاد فکر میکنند .

ابن اعثم کیست ؟

در اینجا بد نیست کمی درباره هویت ابن اعثم و طرز تفکر او گفتگو

(۱) در ترجمه تاریخ ابن اعثم ص ۳۴۳ آمده است : «ب خواب دیدم که

منبر معاویه نگو سار شده بود» .

کنیم تا قدری بیشتر به مقدار ارزش نوشته‌های او پی ببریم :

ابن اعثم مردی است از اهل سنت که هم بعقائد و افکار مخصوص اهل سنت پای بند بوده و هم نسبت به اهل بیت پیغمبر (ص) علاقه نشان میداده است . و چون به خانواده رسالت اظهار علاقه میکرد است اهل سنت در باره او گفته اند که او «شیعی» بوده است «معجم الادباء جلد ۲ ص ۲۳۰» و این اصطلاحی بوده است که در باره سنی‌های متمایل به اهل بیت بکار میبرده اند نه اینکه مقصود آنان از کلمه (شیعی) شیعه اثناعشری باشد و از این جهت سفیان ثوری و افرادی مثل او را (شیعی) شمرده اند (بقاموس الرجال جلد ۱ ص ۱۳ رجوع شود) .

در هر حال آنچه از مجموع قرائن استفاده میشود اینست که : ابن-اعثم از آن نویسندگان است که ضمن نوشتن مطالب تاریخی افکار و عقائد مخصوص اهل سنت را اعمال کرده و برای ترویج آن افکار و عقائد از دروغ و تهمت خودداری نکرده است .

اینک چند نمونه :

۱- برای ترویج روش خلفاء از قول محمد بن الحنفیه نقل میکند که او ضمن مذاکراتش با امام حسین (ع) گفت : مردم را به بیعت خود دعوت کن «فان بايعك الناس قمت فيهم بما كان يقومه رسول الله والخلفاء الراشدون المهديون من بعده» (مقتل خوارزمی جلد ۱ ص ۱۸۷-۱۸۸) : اگر مردم بیعت ترا پذیرفتند با آنان به روش رسول خدا و خلفای راشدین رفتار میکنی .

۲- باز برای ترویج و تصویب روش خلفا از قول امام حسین (ع) نقل میکند که ضمن وصیت نامه اش نوشت : «اسیر بسیره جدی محمد

وسیره ابی علی بن ابیطالب و سیره الخلفاء الراشدين» (خوارزمی جلد ۱ ص ۱۸۹) میخوامم به روش جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابیطالب و روش خلفای راشدین عمل کنم .

۳- از قول ابن عباس نقل میکند که ضمن مذاکراتش با امام حسین (ع) در مکه بوی گفت : من آماده هر گونه فداکاری و جانبازی در راه شما هستم «فها انا بین يدك فهرني باهرک» (مقتل خوارزمی جلد ۱ ص ۱۹۲) چون اهل سنت میگویند : صحابه رسول خدا همه عادل هستند ابن اعثم برای اینکه ابن عباس را از گناه مخالفت با امام حسین (ع) تبرئه کند این جمله را از قول او نوشته است تا عدالت ابن عباس که از صحابه رسول خداست محفوظ بماند .

و ضمناً چون ابن اعثم در زمان خلفای بنی عباس بوده شاید تقرب بخلفاهم در نوشتن این جمله دخالت داشته است چون همفکری و موافقت ابن عباس با امام حسین (ع) برای ابن عباس که جد خلفای عباسی است منقبته محسوب میشود زیرا تأسیس حکومت بنی عباس همراه با ذکر حقانیت علی (ع) و مظلومیت حسین بن علی (ع) بوده است ولی برخلاف نوشته ابن اعثم همه مؤرخان متفق هستند که ابن عباس با سفر امام حسین به عراق مخالف بوده و برای جلوگیری از این سفر کوشش بسیار کرده است البته نه از روی عناد و دشمنی .

۴- از قول امام حسین (ع) نقل میکند که در مکه بعبدالله بن عمر فرمود : اگر کمک کردن بمن در این قیام برای تو سخت است از طرف من معذور هستی و مجازی که بمن کمک نکنی «فان كان الخروج معي يصعب عليك فانت في اوسع العذر» (مقتل خوارزمی جلد ۱ ص ۱۹۳) این

تهمت را بدان جهت به امام حسین (ع) زده است که عدالت عبد الله عمر که از صحابه رسول خداست محفوظ بماند و در مخالفت با امام حسین (ع) و موافقت با یزید بن معاویه معذور باشد. از این قبیل دروغها و افتراءات در نوشته‌های ابن اعثم فراوانست که برای ترویج عقائد اهل سنت بعنوان حقایق تاریخی منعکس کرده است و بهمین علت خود علمای اهل سنت در باره وی گفته‌اند که: او نزد علمای حدیث قابل اعتماد نیست (معجم الادباء جلد ۲ ص ۲۳۰). بنابراین آنچه را که فقط ابن اعثم نوشته و دیگران نوشته‌اند نمیتوان پذیرفت چه در باره خواب امام باشد و چه در باره مطالب دیگر.

و اگر بخواهیم در باره ابن اعثم رعایت احتیاط را بکنیم باید بگوئیم: این احتمال وجود دارد که آنچه ابن اعثم در این موارد نوشته است از خودش نباشد بلکه قبل از او نویسندگانی عقائد و افکار خود را اعمال کرده و دروغهایی نوشته و افتراءهایی زده و خوابی یا خوابهایی را ساخته‌اند و ابن اعثم این قبیل مطالب را از آنان گرفته و در تاریخ خود منعکس کرده است.

ولی ناگفته پیداست که این احتمال سبب نمیشود که بتوان اینگونه نوشته‌های ابن اعثم را پذیرفت زیرا دروغ و افتراء و مطالبی که ساخته و همو خیال است از هر کس باشد قابل قبول نیست چه از خود ابن اعثم باشد و چه از دیگری گرفته باشد.

بدیهی است: اگر ما میخواستیم در باره خواب امام فقط از نظریك حادثه تاریخی گفتگو کنیم شاید ضرورت نداشت که تا این اندازه در باره آن بررسی و کنجکاوی نمائیم ولی چون قضیه خواب بعنوان يك زیر بنای

فکری تلقی شده و بعضی از مردم تصور میکنند امام حسین (ع) خوابی دیده و باستناد آن خواب از مدینه بقصد کشته شدن بیرون رفته است . از اینرو لازم بود این مطلب روشن شود که آیا این نسبت خوابی که به امام داده اند قابل اعتماد است تا بتواند زیر بنای این فکر قرار گیرد که (امام از مدینه برای کشته شدن بیرون رفت) یا اینکه قابل اعتماد نیست . و معلوم شد که قابل اعتماد نیست ، و به افسانه شبیه تر است تا بحقیقت .

نتیجه گفتار :

نتیجه سخن اینکه این مطلب را نمیتوان پذیرفت که امام حسین (ع) خوابی دیده و به استناد آن خواب از مدینه بقصد کشته شدن بیرون رفته است بلکه امام برای مقاومت در برابر تجاوز ، و برای اینکه امکان هر گونه جنبش اصلاحی از وی سلب نگردد ، و برای اینکه اوضاع سیاسی را بررسی کند و در صورت امکان ، یک حکومت نیرومند اسلامی تشکیل دهد و اسلام و مسلمانان را از آن وضع پریشان نجات دهد از مدینه حرکت کرده است . و این مطلب را در کتابی که درباره قیام مقدس امام حسین (ع) نوشته ایم بتفصیل بیان کرده ایم .

خدا پر حسب تعریف يك موجود غير مادی
است و او را نمی توان دید و شنید و بوئید و لمس
کرد .

دکتر الکسیس کارل